

■ **خون سیدالشهدا علیه‌السلام** روحیه شهادت‌طلبی و شهامت مبارزه با بنی‌امیه را زنده کرد و این امر خود زمینه‌ساز قیام‌های متعدد ضداموی شد و قیام‌های بزرگی در طول تاریخ اسلام به پیروی از قیام‌امام حسین علیه‌السلام برای رهایی، آزادی و استقلال مسلمانان از دست حاکمان مستبد و فریبکاران جهانی انجام شد

## تأملی بر عنصر عزت در نهضت حسینی و استمرار خط عزت‌طلبی تا عصر انقلاب اسلامی

# خط سرخ عزت

«عزت» کلمه‌ای فوهم شخصیت امام حسین<sup>(ع)</sup> و فهم وقایع مهم زندگی ایشان است. عزت حسینی نه تنها خط اصلی زندگی ابنِ امام همام، بلکه جریانیخش همه جریاناتی بود که بعد از واقعه عاشورا تلاش کردند این خط را زنده نگه دارند. از این رو لازم است با نگاه دقیق‌تری به عنصر عزت در سیره حسینی و تاثیر این عنصر در تحولات تاریخی بعد از قیام عاشورا بنگریم. خطی که امتداد آن تا انقلاب سال ۵۷ مردم ایران قابل ردیابی است.



**حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر جواد سلیمانی<sup>\*</sup>**: برای درک میزان تاثیر نهضت سیدالشهدا علیه‌السلام بر عزت جامعه اسلامی ابتدا باید دربارۀ ماهیت بنی‌امیه و وضعیت جامعه اسلامی قبل از نهضت سیدالشهدا علیه‌السلام مطالعه کرد تا از این رهگذر تحول جامعه اسلامی پس از نهضت امام حسین علیه‌السلام مورد بررسی قرار گیرد.

■ **ماهیت، سیاست‌ها و اهداف امویان تا سال ۶۱ هجری**
الف) مبارزه رو در رو با اسلام: بنی‌امیه ۳ جنگ سنگین، خونین و خسارت بار را بر حکومت نوپای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مدینه تحمیل کردند و در برخی از این جنگ‌ها ضربه‌های سختی به مسلمانان وارد کردند. هدف اصلی آنان از این جنگ‌ها قبل از هر چیز نابودی اسلام و کشتن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بود ولی در پرتو مجاهدت‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرمومنان علیه‌السلام و اصحاب راستین آن حضرت و در سایه امداد‌های غیبی خداوند متعال، سرانجام مسلمانان پیروز شدند و مکه را فتح کردند. روز فتح مکه نیز ابوسفیان و فرزندانش تنها از روی نفوذ اسلام آوردند و سیاست دشمنی علنی و حمله از بیرون را به ستیز پنهان و نفوذ از درون تغییر دادند.

ب) نفوذ در حکومت اسلامی: آنان که از نابودی اسلام از طریق جنگ مسلحانه کاملاً نومید شده بودند، این بار تصمیم گرفتند با نفوذ در ارکان جامعه اسلامی و اشغال مفضل‌های حسلس دستگاه‌های تصمیم‌گیری جامعه، بار دیگر بر مسلمانان سیطره یابند؛ از این رو ابتدا مناطق مفتوحه شامات را به دست گرفتند. اول یزید بن ابی‌سفیان و بعد از مرگ او برادرش معاویه فرمانده نیروهای نظامی و حاکم شام شدند. آنها در زمان عثمان قلمرو نفوذ خود را گسترش داده، ریاست دفتر عثمان و فرمانداری کوفه و مصر را نیز تصاحب کردند و از آنجا که فرمانداری کوفه بر تمام مناطق ایران نیز نظارت داشت، می‌توان گفت ایران هم تحت نفوذ بنی‌امیه قرار گرفت.

ب) عملیات استحاله: آنان پس از نفوذ در دستگاه‌های اجرایی و اقتصادی و سیاسی جهان اسلام، عملیات استحاله را آغاز کردند یکی از مهم‌ترین روش‌های استحاله آنها شکستن حرمت احکام اسلام از طریق رواج فساد اخلاقی و اقتصادی و اداری و تحریک احساسات مسلمانان بود.
ت) قدرت‌طلبی معاویه و فروپاشی حکومت دینی: سال ۴۰ هجری با شهادت امام علی علیه‌السلام زمینه‌فروپاشی حکومت دینی و تبدیل خلافت اسلامی به سلطنت طاقوتی فراهم آمد و معاویه رسماً در سخنرانی خویش در میان جمعیت کوفه پس از صلح امام حسن علیه‌السلام گفت: «ای ما قاتلکم لتصلوا و لاتصوموا و لاتحجوا و لاتزکوا انکم لتفعلون ذلک انما قاتلکم لاتامر علیکم، من با شما جنگیدم تا نماز گزارده و روزه گرفته و حج به جا آورید و زکات بپردازید. شما اینها را انجام می‌دهید، من با شما جنگیدم تا بر شما حکومت کنم».

بنی‌امیه با همه تلاش‌هایی که کردند، به هدف نهایی خویش که هدم و مسخ اساس دین بود نائل نیامدند و معاویه تحت فشار افکار عمومی شاعران اسلامی را رعایت می‌کرد و به حریم اعتقادات و اصول و فروع دین تجاوز علنی و رسمی نمی‌کرد ولی از استمرار احیای شالوده‌های دین غمگین و ملول بود.

معاویه از زنده بودن نام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در جامعه سخت ناراحت بود و اگر فرصت مناسبی می‌یافت، یاد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را از خاطرها محو می‌کرد.

ث) یزید به هدف عزم نابود کردن اساس دین: معاویه تا زمان مرگ به یزید خویش ترسید ولی یزید سیاست پنهان پدر را آشکارا دنبال کرد و با عزم نابود کردن اساس دین و انکار رسالت و وحی و نبوت و معاد و قیامت و گرفتن انتقام کشته‌های کفار قریش در جنگ بدر به میدان آمد. بهترین گواه بر این مدعا سخنی است که هنگام ملاقات با سر مظهر حسین بن علی علیه‌السلام بر زبان جاری کرده و در حقیقت با گفته خویش کفر خود را علنی کرد. او این شعر را در آن هنگام قرائت کرد:

«لیت شیخایی بدبر شهامت

جرع الخمر من وقع الاسل

لعبت هاشم بالملک فلا

خبر جاء و لا وحی نزل

لست من خندقان فل انتقم

این ذلت و خواری در برابر بنی‌امیه و احساس وحشت و خودباختگی در برابر امویان، محصول سیاست تساهل ۲ خلیفه اول و دوم در برابر بنی‌امیه و سیاست‌های غلط آنان در زمینه امور اقتصادی و فرهنگی جامعه بود که باضعف‌های شخصیتی و تعصبات قومی و بی‌مبالاتی مضاعف عثمان افزایش یافت و پس از عدم موفقیت مسلمانان در جنگ صفین و تحمیل صلح بر امام حسن علیه‌السلام و سلطه معاویه بر کل جهان اسلام به اوج خود رسید به طوری که معاویه در دوران خلافت خود به آسانی می‌توانست قیام متنفذترین شخصیت‌های شیعه را در کانون مخالفان خود یعنی کوفه در لطفه خفه کند، کما اینکه

شنبه ۶ اسفند ۱۴۰۱

وطن‌امروز | شماره ۳۷۱۱

### اندیشه



به آسانی قیام حجرین عدی کندی را کنترل و خود حجر و فرزند و یارانش را به شهادت رساند.

در سایر شهرهای حجاز و مصر و ایران و… نیز وضع به همین منوال بود. ترس از بنی‌امیه در کانون دل‌های مسلمانان نشسته بود. یا از آنها می‌ترسیدند یا از پیروزی بر آنها ناامید شده، نسبت به عملکردشان بی تفاوت شده بودند یا مجذوب قدرت و اموال‌شان شده، به آنها پیوسته بودند.

از این رو وقتی سیدالشهدا علیه‌السلام قیام خویش را آغاز کرد، برخی مانند عبدالله بن جعفر و عبدالله بن مطیع تلاش می‌کردند حضرت را از تصمیم خویش منصرف کنند. برخی دیگر همچون احنف بن قیس نیز چون پست و مقام و مال و منالی نزد سیدالشهدا علیه‌السلام نمی‌دیدند، از یاری آن حضرت سرباز زدند.

بنابراین در جمع‌بندی از اوضاع سیاسی – اجتماعی عصر امامت امام حسین علیه‌السلام باید گفت در جامعه آن روز حکومت دینی از بین رفت، خلافت به سلطنت مبدل شد، ارزش‌های دینی مسخ شده جامعه از فرهنگ دینی تهی شد و مردم بر اثر مرعوب شدن در برابر امویان، با حقارت، تسلیم وضع موجود شده از اصلاح امور ناامید شدند.

امویان با در دست گرفتن حکومت و تبدیل حاکمیت دینی به سلطنت و پادشاهی، عزت و اقتدار مسلمانان را از بین بردند با اهانت به ارزش‌ها و هتک مقدسات، عزت اسلامی مسلمانان را پایمال کردند. اکنون یزید می‌خواست با مسخ اصول و فروع و فروپاشی ستون‌ها و شالوده‌های اساسی اسلام چون وحی و نبوت و نماز و روزه و حج، آخرین ضربه را بر پیکر جامعه اسلامی بزند و به مسلمانان اعلان کند که اسلام هیچ خبری برای آنان نداشته، دین آنان نه قدرت‌داره جامعه را دارد و نه مایه عزت افراد است.

■ **تاثیر نهضت عاشورا بر احیای عزت امت اسلامی**

در چنین وضعی سیدالشهدا علیه‌السلام به مبارزه برخاست و به امویان و دشمنان اسلام فهماند که قدرت غیرت اسلامی به حدی است که اگر در کالبد یک جمع کوچک دمیده شود، می‌تواند بنیان یک حکومت جبار و قدرتمند را به لرزه درآورد. اسلام می‌تواند مایه عزت مسلمانان در برابر ظلم ظالمان و ملامت ملامت‌گران و تحقیر و تمسخر کفار باشد.

قیام سیدالشهدا علیه‌السلام و یارانش احساس ضعف و وحشت مسلمانان را نسبت به بنی‌امیه تا حد زیادی از بین برد به طوری که پس از شهادت آن حضرت، شاهد چندین قیام در حجاز و عراق بر علیه‌امویان هسته‌یی‌قیام‌هایی که هر یک نشانگر رشد غیرت دینی جامعه اسلامی و پیام‌آور عزت مسلمانان است. ناگفته پیداست مهم‌ترین کار کرد قیام امام حسین علیه‌السلام حفظ و بقای اسلام بود. بنی‌امیه در زمان خلافت یزید در پی ویران کردن بنیادهای دین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یعنی توحید و نبوت و نماز و روزه و… بودند ولی امام علیه‌السلام با حماسه خونین خویش چهره کریه بنی‌امیه را افش کرد و باز بین بردن مشروعیت و مقبولیت بنی‌امیه، بقای اصول اعتقادات و مسلمات دین را تضمین کرد؛ از این رو وقتی ابراهیم پسر طلحه بن عبیدالله در شام از امام سجاد علیه‌السلام پرسید اگر در جنگ جمل جدت پیروز شد[ حالا چه کسی پیروز شده است؟ امام علیه‌السلام در پاسخ او فرمودند: «ذا اردت ان تعلم من غلب، و دخل وقت الصلاة، فاذن ثم ام؟» اگر می‌خواهی بدانم چه کسی پیروز شده است، هنگام فرا رسیدن وقت نماز ابتدا اذان بگو و سپس نماز را اقامه کن.» این سخن نشانگر آن است که هدف نهضت سیدالشهدا علیه‌السلام در درجه نخست حفظ اسلام و استمرار شهادت به توحید و نبوت بر مانده‌های جامعه بود، چرا که اگر این مولفه‌های مهم از صفحه جامعه محو می‌شد، دیگر چیزی از اسلام باقی نمی‌ماند.

البته کار کرد نهضت عاشورا تنها در این مقوله خلاصه نمی‌شود. نهضت ابی‌عبدالله در احیای فرهنگ شهادت‌طلبی و ایثار و ظلم‌ستیزی و نفرت‌انگیزی نسبت به سلاطین اموی و بازگشت به سوی اصالت‌های عصر نبوی نقش مهمی ایفا کرد و همه اینها موجب بازگشت عزت از دست رفته مسلمانان شد. به دیگر سخن، نهضت عاشورا روح مقاومت اسلامی را در جامعه زنده کرد و بر کالبد نیمه‌جان و بی‌رقم مسلمانان روح حق طلبی دمید. اکنون برای روشن شدن این حقیقت به برخی از قیام‌های حق طلبانه شهرهای مدینه و کوفه به عنوان ۲ مرکز اصلی حجاز و عراق در حد این مقال کوتاه اشاره می‌کنیم.

■ **برخی قیام‌های متأثر از قیام امام حسین علیه‌السلام**
۱- **شورش مردم مدینه:** قیام مردم مدینه با جنگ حره یکی از مهم‌ترین مظاهر انقلاب روحی مسلمانان و آمادگی برای قیام علیه امویان بود. این قیام به سال ۶۲ هجری به وقوع پیوست. ماجرا از این قرار بود که وقتی والی یزید در مدینه (عثمان بن محمد بن ابی سفیان) خواست طبق سنوات گذشته صوافی (مالیات ویژه خلیفه) گندم و خرما را از مردم مدینه بگیرد و برای دارالخلافه یزید بفرستد، آنها مانعت کردند.

قیل یا بعد از این ماجرا عده‌ای از نمایندگان مردم مدینه به شام رفتند و بی‌مبالاتی یزید را نسبت به دین از نزدیک دیدند. این موضوع موجب تحریک احساسات دینی آنان شد به گونه‌ای که هنگام بازگشت به مردم گفتند: «یزید دین ندارد، شرب خمر می‌کند، تنبور می‌زند و کنیزان نژد می‌نوازند و با سگ‌ها بازی می‌کند».

در پی این وقایع، مردم به خشم آمده، امویان را سنگسار کرده، از شهر بیرون کردند.

این حرکت از مردم مدینه بسیار حیرت‌انگیز بود، چرا که آنها بر خلاف مردم کوفه گرایش شیعی چندانی نداشتند. آنها همان کسانی بودند که هنگام حرکت امام حسین علیه‌السلام از مدینه به‌ خاطر ترس از بنی‌امیه از همراهی با آن بزرگوار خودداری کرده بودند ولی ۲ سال پس از شهادت آن حضرت خود در برخورد با بنی‌امیه پیش‌قدم شدند.

۲- **قیام توایین:** شیعیان کوفه ۴ سال پس از شهادت امام حسین علیه‌السلام به سال ۶۵ هجری به فرماندهی «سلیمان بن صرد خزاعی» و همکاری بزرگانی چون مسیب بن نجبه، عبدالله بن سعد بن نفیل، رفاعه بن شداد و عبدالله بن واث، «نهضت توایین» را بر پا کردند. آنها از کلهای خویش در یاری سیدالشهدا علیه‌السلام در جنگ با بنی‌امیه سخت پشتیبان شده و توبه خود را جنگ با آنان تا سر حد کشته شدن قرار دادند. آنها تقریباً با ۳ هزار نیروی جنگی از کوفه حرکت کردند، ابتدا به زیارت قبر سیدالشهدا علیه‌السلام در کربلا رفتند و از سستی خویش در مبارزه با بنی‌امیه و عدم یاری ابی‌عبدالله علیه‌السلام با اشک و آه توبه کردند، سپس یکایک با آن حضرت وداع کرده به سوی شام به راه افتادند.

وقتی با سپاه اموی روبرو شدند، در مقابل پیشنهاد شامیان که از آنها خواستند با عبدالملک مروان بیعت کنند، بدون هیچ‌گونه نرمشی گفتند: باید عبدالله بن زیاد را تسلیم و عبدالملک را ازل کنید و حکومت را به اهل بیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بسپارید.

توایین پس از چند روز جنگ شجاعانه – که در مراحل اولیه با پیروزی آنان همراه بود – سرانجام به علت ملحق شدن نیروهای تازه‌نفس به سپاه اموی شکست خوردند و اکثریت قاطع آنها به شهادت رسیدند.

توایین همان‌هایی بودند که از ترس بنی‌امیه و ابن زیاد از یاری سیدالشهدا علیه‌السلام سر باز زدند ولی پس از شهادت ابی‌عبدالله علیه‌السلام جبهه‌های ذلت را از تن بیرون کرده، مردم را به احیای قرآن و ارزش‌های ناب نصر نبوی و خونخواهی اهل بیت و علیهم‌السلام دعوت کردند. همان‌ها که با یزید دست بیعت داده و از ترس بنی‌امیه همچان خویش را به دست گرگ‌های درنده کوفه سپردند، حال چنان شهامتی یافتند که اموی‌ها را بی‌دین و لامذهب می‌خواندند و تا پای جان در مصاف با آنها ایستادگی کردند.

عبیدالله بن عبدالله، سخنگوی توایین هنگام فراخوان مردم به جهاد می‌گفت: «انا ادعوك الى کتابالله و سنه نبیه و الطلبد بدماء اهل بیته و الی جهاد المحلین و المارقین فان قتلنا فما عندالله خیر لالاسرار و ان ظهرا ردنا هذا الامر الی اهل بیت نبینا؛ من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش و به خونخواهی اهل بیت او و جهاد با پیمان‌شکنان و خارج‌شوندگان از دین دعوت می‌کنم. پس اگر کشته شویم، آنچه نزد خداست برای پاک‌سیرتان بهتر و اگر پیروز شوید، امر حکومت را به اهل بیت پیامبرمان بازمی‌گردانیم».

جملات فوق برانگیخته‌شدن غیرت مذهبی و عزت اسلامی توایین را به روشنی نشان می‌دهد و این نتیجه تاثیر خون سیدالشهدا علیه‌السلام بود که روح خروش دینی را در کالبد مرده و بی‌جان شیعیان کوفه دمید به طوری که هنگام ترک کوفه برای نبرد با سپاه ابن زیاد فریاد می‌زدند: «انا لا نطلب الدنيا و لیس لها خروجه؛ ما طالب دنیا نستیم و قیام ما برای دنیا نیست».

۳- **قیام مختار:** پس از قیام توایین به سال ۶۵ هجری قیام مختار با حمایت خیل کثیری از مردم کوفه بویژه موالی و غلامان تپی دست کوفه آغاز شد که تا سال ۶۷ هجری استمرار یافت. این قیام در ماهیت خود اهدافی چون احیای قرآن و سنت و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و تقاضا از قاتلان سیدالشهدا علیه‌السلام

را تعقیب می‌کرد.

مختار اشراف کوفه را که در خلال نهضت عاشورا به عبیدالله بن زیاد پیوسته و زمینه شهادت امام حسین علیه‌السلام را فراهم آوردند، سر کوب کرد و به سال ۶۷ هجری لشکری به فرامندی ابراهیم بن مالک اشتر به جنگ با امویان به طرف شام فرستاد. ابراهیم در موصل پس از نبرد سختی سپاه ۱۲ هزار نفری عبیدالله بن زیاد را شکست داد و او را به هلاکت رساند.

انها با شعارهایی چون «لا ثارات الحسین؛ ای قوم بیابید برای انتقام خون حسین»، سنت اهل بیت علیهم‌السلام را زنده کردند و شاید از همین رو شیعیان از هر سوی به مختار پیوستند. این موضوع نشانگر آن است که در جامعه آمادگی فراوانی برای ظلم‌ستیزی و احیای اصالت‌های عصر نبوی ایجاد شده بود و مختار از این فرصت استفاده کرد و برپاکندگان فاجعه عاشورا را یکی پس از دیگری از یک سو برای همه ثابت کرد و به قتل رساند. از این رو اهل بیت علیهم‌السلام در کلمات‌شان از وی تعریف کرده‌اند. وقتی سر عبیدالله بن زیاد معلون را برای امام سجاد علیه‌السلام فرستادند، بنا به نقلی، حضرت فرمودند: «جزی‌الله المختار خیر!» خدا به مختار جزای خیر بدهد.

با امام باقر علیه‌السلام در موردش فرمودند: «فانه قتل قتلتنا وطلب بئارناه، او قاتلان ما را کشت و انتقام خون ما را گرفت».

حرکت مختار نماد روشنی از خودآگاهی و بیداری کوفیان در قبال ظلم و فساد بنی‌امیه است. در حقیقت قیام امام حسین علیه‌السلام از یک سو برای همه ثابت کرد که خلافت بنی‌امیه خلافت جور و حکومت کفر است و از سوی دیگر روح شهادت‌طلبی و شجاعت و پامردی را در مسلمانان زنده کرد. باطل ملحق شدند. آنان در جریان قیام مختار و توایین و زید بن علی و… روبروی هم ایستادند در حالی که قبل از شهادت سیدالشهدا علیه‌السلام چنین قیام‌هایی را مشاهده نمی‌کنیم، مگر قیام حجر بن عدی که بسیار محدود بود.

اگرچه قیام‌هایی چون قیام توایین و مختار و زید بن علی برخی دبیرس یا زودرس بودند و بعضی از رنگ و لعاب قیام‌های اصیل شیعی بر خوردار نبوده‌اند ولی غالباً ماهیت آنها ماهیت ظلم‌ستیزانه و حق‌طلبانه‌ای بود که برای مبارزه سیدالشهدا علیه‌السلام چنین قیام‌هایی را مشاهده نمی‌کنیم، اما قیام حجر بن عدی که بسیار محدود بود.

اگرچه قیام‌هایی چون قیام توایین و مختار و زید بن علی برخی دبیرس یا زودرس بودند و بعضی از رنگ و لعاب قیام‌های اصیل شیعی بر خوردار نبوده‌اند ولی غالباً ماهیت آنها ماهیت ظلم‌ستیزانه و حق‌طلبانه‌ای بود که برای مبارزه سیدالشهدا علیه‌السلام چنین قیام‌هایی را مشاهده نمی‌کنیم، اما قیام حجر بن عدی که بسیار محدود بود.

اگرچه قیام‌هایی چون قیام توایین و مختار و زید بن علی برخی دبیرس یا زودرس بودند و بعضی از رنگ و لعاب قیام‌های اصیل شیعی بر خوردار نبوده‌اند ولی غالباً ماهیت آنها ماهیت ظلم‌ستیزانه و حق‌طلبانه‌ای بود که برای مبارزه سیدالشهدا علیه‌السلام چنین قیام‌هایی را مشاهده نمی‌کنیم، اما قیام حجر بن عدی که بسیار محدود بود.

اگرچه قیام‌هایی چون قیام توایین و مختار و زید بن علی برخی دبیرس یا زودرس بودند و بعضی از رنگ و لعاب قیام‌های اصیل شیعی بر خوردار نبوده‌اند ولی غالباً ماهیت آنها ماهیت ظلم‌ستیزانه و حق‌طلبانه‌ای بود که برای مبارزه سیدالشهدا علیه‌السلام چنین قیام‌هایی را مشاهده نمی‌کنیم، اما قیام حجر بن عدی که بسیار محدود بود.

اگرچه قیام‌هایی چون قیام توایین و مختار و زید بن علی برخی دبیرس یا زودرس بودند و بعضی از رنگ و لعاب قیام‌های اصیل شیعی بر خوردار نبوده‌اند ولی غالباً ماهیت آنها ماهیت ظلم‌ستیزانه و حق‌طلبانه‌ای بود که برای مبارزه سیدالشهدا علیه‌السلام چنین قیام‌هایی را مشاهده نمی‌کنیم، اما قیام حجر بن عدی که بسیار محدود بود.

اگرچه قیام‌هایی چون قیام توایین و مختار و زید بن علی برخی دبیرس یا زودرس بودند و بعضی از رنگ و لعاب قیام‌های اصیل شیعی بر خوردار نبوده‌اند ولی غالباً ماهیت آنها ماهیت ظلم‌ستیزانه و حق‌طلبانه‌ای بود که برای مبارزه سیدالشهدا علیه‌السلام چنین قیام‌هایی را مشاهده نمی‌کنیم، اما قیام حجر بن عدی که بسیار محدود بود.

اگرچه قیام‌هایی چون قیام توایین و مختار و زید بن علی برخی دبیرس یا زودرس بودند و بعضی از رنگ و لعاب قیام‌های اصیل شیعی بر خوردار نبوده‌اند ولی غالباً ماهیت آنها ماهیت ظلم‌ستیزانه و حق‌طلبانه‌ای بود که برای مبارزه سیدالشهدا علیه‌السلام چنین قیام‌هایی را مشاهده نمی‌کنیم، اما قیام حجر بن عدی که بسیار محدود بود.

اگرچه قیام‌هایی چون قیام توایین و مختار و زید بن علی برخی دبیرس یا زودرس بودند و بعضی از رنگ و لعاب قیام‌های اصیل شیعی بر خوردار نبوده‌اند ولی غالباً ماهیت آنها ماهیت ظلم‌ستیزانه و حق‌طلبانه‌ای بود که برای مبارزه سیدالشهدا علیه‌السلام چنین قیام‌هایی را مشاهده نمی‌کنیم، اما قیام حجر بن عدی که بسیار محدود بود.

اگرچه قیام‌هایی چون قیام توایین و مختار و زید بن علی برخی دبیرس یا زودرس بودند و بعضی از رنگ و لعاب قیام‌های اصیل شیعی بر خوردار نبوده‌اند ولی غالباً ماهیت آنها ماهیت ظلم‌ستیزانه و حق‌طلبانه‌ای بود که برای مبارزه سیدالشهدا علیه‌السلام چنین قیام‌هایی را مشاهده نمی‌کنیم، اما قیام حجر بن عدی که بسیار محدود بود.

اگرچه قیام‌هایی چون قیام توایین و مختار و زید بن علی برخی دبیرس یا زودرس بودند و بعضی از رنگ و لعاب قیام‌های اصیل شیعی بر خوردار نبوده‌اند ولی غالباً ماهیت آنها ماهیت ظلم‌ستیزانه و حق‌طلبانه‌ای بود که برای مبارزه سیدالشهدا علیه‌السلام چنین قیام‌هایی را مشاهده نمی‌کنیم، اما قیام حجر بن عدی که بسیار محدود بود.

اگرچه قیام‌هایی چون قیام توایین و مختار و زید بن علی برخی دبیرس یا زودرس بودند و بعضی از رنگ و لعاب قیام‌های اصیل شیعی بر خوردار نبوده‌اند ولی غالباً ماهیت آنها ماهیت ظلم‌ستیزانه و حق‌طلبانه‌ای بود که برای مبارزه سیدالشهدا علیه‌السلام چنین قیام‌هایی را مشاهده نمی‌کنیم، اما قیام حجر بن عدی که بسیار محدود بود.